

The Baptist Tabernacle of Los Angeles

1329 South Hope Street, L.A. Civic Center

Mailing Address:
P. O. Box 15308
Los Angeles, CA 90015
Phone: (213) 744-9999

E-mail: rhymersjr@sbcglobal.net
www.sermonsfortheworld.com
www.baptisttabernacle.com



Dr. R. L. Hymers, Jr.
Founding Pastor

Dr. Christopher L. Cagan
Pastor

دسامبر ۲۰۱۹

دوستان گرامی:

ایکاش می‌توانستم نامه کریسمس شادتری برایتان بفرستم. اما صادقانه خدمتتان عرض می‌کنم که در یکسال و نیم گذشته ما شاهد یک تفرقه هولناک در کلیسایمان بودیم. این اتفاق چند ماه قبل از سال گذشته شروع شد. شماس ارشدمان جلسات مخفیانه ای را با یک شبان دیگر شروع کرده بود. آنها باهم نقشه ای برای از بین بردن کلیسایمان کشیده بودند. هر دوی آنها نقشه کشیدند تا کلیسای دیگری را شروع کنند و تا حد ممکن اعضای ما را به سمت خودشان بکشند. وقتی من متوجه این موضوع شدم، برای جلوگیری از یک تفرقه بزرگ کلیسایی دیگر خیلی دیر شده بود. این اتفاقات وقتی شروع شد که یک شماس ناراضی سعی کرد با من "دعوا و کتک کاری" راه بیندازد. وقتی من از دعوا کردن خودداری کردم، او کلیسا را ترک کرد. خیلی زود عده ای دنبالش راه افتادند. مدیر گروه شماسان چند تصویر لخت و برهنه از خودش را روی وبسایتش گذاشت. یکی از "تفرقه اندازان" تلاش کرد که با استفاده از این عکسها از من اخاذی کند که دیگر پلیس وارد قضیه شد. مدیر گروه شماسان و همسرش هم کلیسای ما را ترک کردند. در این زمان، شماس ارشد کاملاً فعال شد. کلیسای ما را ترک کرد و تا توانست خیلی از اعضای ما را با خودش برد. چون شماس ارشد برای چند دهه یکی از رهبران کلیسای ما بود، خیلی از اعضای کلیسا دنبال او راه افتادند و از کلیسای ما خارج شدند. زمانی که این جدایی به آخر خودش رسیده بود، این شخص توانست بیش از نیمی از اعضای کلیسایمان را از ما جدا کند.

در همین ایام بود که مشکلات جسمانی من شدت گرفت و نتوانستم هر دو جلسه روز یکشنبه را موعظه کنم. یکی از دانشجویان مدرسه الهیات جلسات صبح یکشنبه را برگزار می‌کرد. ولی او خیلی کم تجربه تر از آن بود که بتواند کنار من بایستد درحالیکه بیشتر دوستان نزدیکش در آن تفرقه رفته بودند. در روز ۲۰ فوریه این جوان هم دوستی اش را با من قطع کرد. او و مادرش کلیسا را ترک کردند و به کلیساهای نو-انجیلی پیوستند. این موضوع برای من خیلی سنگین تمام شد، چرا که این واعظ جوان را بعنوان یک دوست خیلی نزدیک به خودم می‌شناختم. در روز ۲۳ فوریه، من از مقام کهنات و شبانی استعفا دادم و دکتر کریستوفر کیگن شبان جدید کلیسا شد. من بعنوان یک شبان بازنشسته مقرر شدم. برای حضور در جلسات خیلی ضعیف شده بودم. در روز ۳ مارس، دکتر کیگن بازنشستگی من و انتصاب خودش بعنوان شبان را اعلام کرد. دکتر کیگن بعد از کشیش وورمبراند، بزرگترین مسیحی است که من تا حالا شناختم. بدون رهبری و درایت او کلیسای ما هیچوقت نمی‌توانست سرپا بایستد.

با اینحال اتفاقات خوب پیوسته در جریان بودند. در روز ۲۶ ژانویه، چهل و یکمین زبان به وبسایت ما اضافه شد. در همان روز (۲۶ ژانویه)، "اپلیکیشن" ما به روی آیفون و اندروید رفت. از آن زمان هزاران نفر در سراسر جهان از طریق این اپلیکیشن به ما ملحق شدند، که در اینجا لازم است از یک دوست، یعنی یک میسیونر برای یهودیان شهر نیویورک، خیلی تشکر و قدردانی کنم. بعد چهل و دومین زبان اضافه شد - یعنی زبان اصلی مالوی در آفریقا. در روز ۲۳ فوریه، دکتر کیگن شبان رسمی شناخته شد و من بعنوان شبان بازنشسته منصوب شدم.

لازم به گفتن نیست که چقدر از این اغتشاش و هرج و مرج ضعیف و بیمار شدم. ممنون و قدردان همسرم هستم - که در تمام این مدت در کنار من ایستاد. از روز ۲۷ فوریه تا ۲۰ مارس، او را برای استراحت به یک مرخصی طولانی به آریزونا بردم. روز ۲۰ مارس برگشتم تا یکشنبه شبها موعظه کنم و شنبه شبها تدریس کنم.

وبسایتمان صدها خطابه را کلمه به کلمه به چهل و دو زبان

در وبسایت WWW.SERMONSFORTHEWORLD.COM ارائه می‌دهد.

از آن زمان ساختمان این کلیسا را به فروش گذاشتیم. روز ۱۴ آوریل که هفتاد و هشتمین سالگرد تولد من بود را در ساختمان قدیمی جشن گرفتیم. روز ۷ می، من یک گروه برای شاگرد شدن از جوانهای ایماندار کلیسایمان را تشکیل دادم که با استفاده از کتاب "انفجار بشارت" تعلیم بدهم. از تاریخ ۲۲ تا ۲۹ می، دکتر کیگن من و همسرم را به منطقه سن فرانسیسکو برد تا با یک کلیسای باپتیست چینی و شبان خوبشان آشنا کند. همچنین با مایک و مونا رایلی ملاقات کردیم که شبان قدیمی کلیسایی است که من در استان مارین بنا کردم. مایک خیلی به من دلگرمی داد و از من دعوت کرد که در پنجاهمین سالگرد کلیسایشان صحبت کنم. دیگران آنقدرها عطوفت از خودشان نشان ندادند و من را بعنوان عامل تفرقه کلیسایمان مورد سرزنش قرار دادند که باعث رنجش بیشتر من شد.

در ۲۸ جولای، شصت و ششمین سالگرد تولد دکتر کیگن را در کلیسایمان جشن گرفتیم. در آنموقع اعلام شد که کلیسای جدیدمان در سن گیریل ولی را می‌خواهند "کلیسای باپتیست چینی لس آنجلس و حومه" اسم گذاری کنند. ما یک ساختمان جدید در آنجا خریده‌ایم و بزودی مراحل اداری‌اش تمام می‌شود.

اواخر ماه جولای، خانم هایمرز یعنی همسرم را برای یک مرخصی کوتاه دیگر به اوشن ساید بردم. همسرم آیلینا بدون شک بهترین همسر یک شبان در تمام دنیاست. من و پسرم رابرت لسللی تصمیم گرفتیم خانم و پدر و مادرش را به اسرائیل بفرستیم و اینکار را کردیم. در روز ۱۷ نوامبر، من یکسری خطابه را برای صبحها و عصرهای یکشنبه شروع کردم. این اولین بار است که بعد از مدتها توانستم هر دو جلسه روز یکشنبه را موعظه کنم. بارهبری و سخت کوشی دکتر کیگن، دو جوان نجات پیدا کردند و چندین دانشجوی چینی شروع به آمدن به کلیسایمان کردند. دکتر کیگن خانه‌اش را در مرکز شهر لس آنجلس فروخته و دنبال یک خانه نزدیکتر به سن گیریل می‌گردد. تا چند ماه دیگر، کلیسایمان را به ساختمان جدید منتقل خواهیم کرد.

بنظر می‌رسد که تفرقه کلیسا تمام شده باشد. چند روز پیش در بیمارستان شهر امید به من گفتند که ظاهرا سرطان من درمان شده. روز شکرگزاری را در خانه‌ام با دکتر کیگن، همسرم و با بچه‌ها و نوه‌هایم و بیشتر کسانی که در این ایام آزمایش با ما ماندند جشن گرفتیم!

از خداوند می‌خواهم که همه شما را برکت بدهد! لطفا با شروع به کار کلیسای چینی یادتان نرود برایمان دعا کنید!



جلال و ستایش از آن نجات دهنده ما عیسی مسیح است!

Rabbi Haim

ر. ل. هایمرز
دکترای کهنات، الهیات، ادبیات
فیلپیان ۱۳: ۴

به خانواده‌ام خیلی افتخار می‌کنم. از چپ به راست،
وسلی، لسللی با حنا کوچولو، خودم، آیلینا
با سارا کوچولو، جین همسر لسللی، مادر آیلینا
لیندا و برادرش اروین سولار.

"اگر باور نمی‌کردم که احسان خداوند را در زمین
زندگان ببینم. برای خداوند منتظر باش و قوی شو
و دلت را تقویت خواهد داد. بلی منتظر خداوند
باش" (مزامیر ۱۳: ۲۷-۱۴).